



ارتشبد «حسین فردوس» ۱۲ آبان ۱۳۴۲ دستگیر شد

راوی سقوط



روایتی از «کافه دان‌تیسیم» که ۳۸ نفر از بچه‌های «سنندروم داو» و «اوتیسیم» را شاغل کرده است

متفاوت ترین

کافه ایران

میگردند طالبین به خرید می‌توانند ظرف پنج روز قبل از موعد مزایده به این اجرا مراجعه تا نسبت به بازید آنان از اموال مورد مزایده اقدام گردد.

دادنامه

آگهی تجدید مزایده اموال منقول و غیر منقول

به موجب پرونده کلاس سه اجرائی صادره از شعبه ۲۷ دادگاه حقوقی مشهد به شماره بایگانی اجرای احکام ۱۱۰/۵۹۵۰۰۷۶ آقای سیدامیر خانی مشهدی شهید محکوم است به پرداخت مبلغ ۴۱۷/۸۵۴۴۵ ریال در حق رضا کهنوجی و نیز مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال نیم عشر دولتی نظر به اینکه محکوم علیه نسبت به پرداخت دیونش اقدامی نکرده است حسب تقاضای محکوم له

دادنامه

آگهی تجدید مزایده اموال منقول و غیر منقول

به موجب پرونده کلاس سه اجرائی صادره از شعبه ۷ دادگاه عمومی حقوقی مشهد به شماره بایگانی اجرای احکام ۲۴۴/۱۱۰/۵۹۵۰۰۳۴ آقای حمیدرضا لنگریان و خانم ناصرت عسکریان دربان محکوم است به پرداخت مبلغ ۹۰۶۸۰۹۰۷۸ ریال در حق آقای مهدی کاشانی و نیز مبلغ ۴۰۳۴۳/۴۸۹ ریال نیم عشر دولتی نظر به اینکه محکوم علیه نسبت به پرداخت دیونش اقدامی نکرده است حسب تقاضای محکوم له اموالی به شرح ذیل در قبال اصل توقیف

دادنامه

آگهی تجدید مزایده اموال منقول و غیر منقول

به موجب پرونده شماره کلاس سه ۹۷۰۴۶۰ اجرای احکام دادگستری طبقه شانزدهم محکوم علیه شرکت صنایع فلز و فلز توپیکان محکوم است به پرداخت ۱۶/۵۰۵۷۳۵ ریال بابت اصل خواسته و کلیه خسارات دادرسی در حق محکوم له حمید اکبرزاده رضایی و پرداخت نیم عشر دولتی نظر به اینکه محکوم علیه نسبت به پرداخت دیونش اقدامی نکرده است حسب تقاضای محکوم له اموالی به شرح ذیل در قبال اصل توقیف

دادنامه

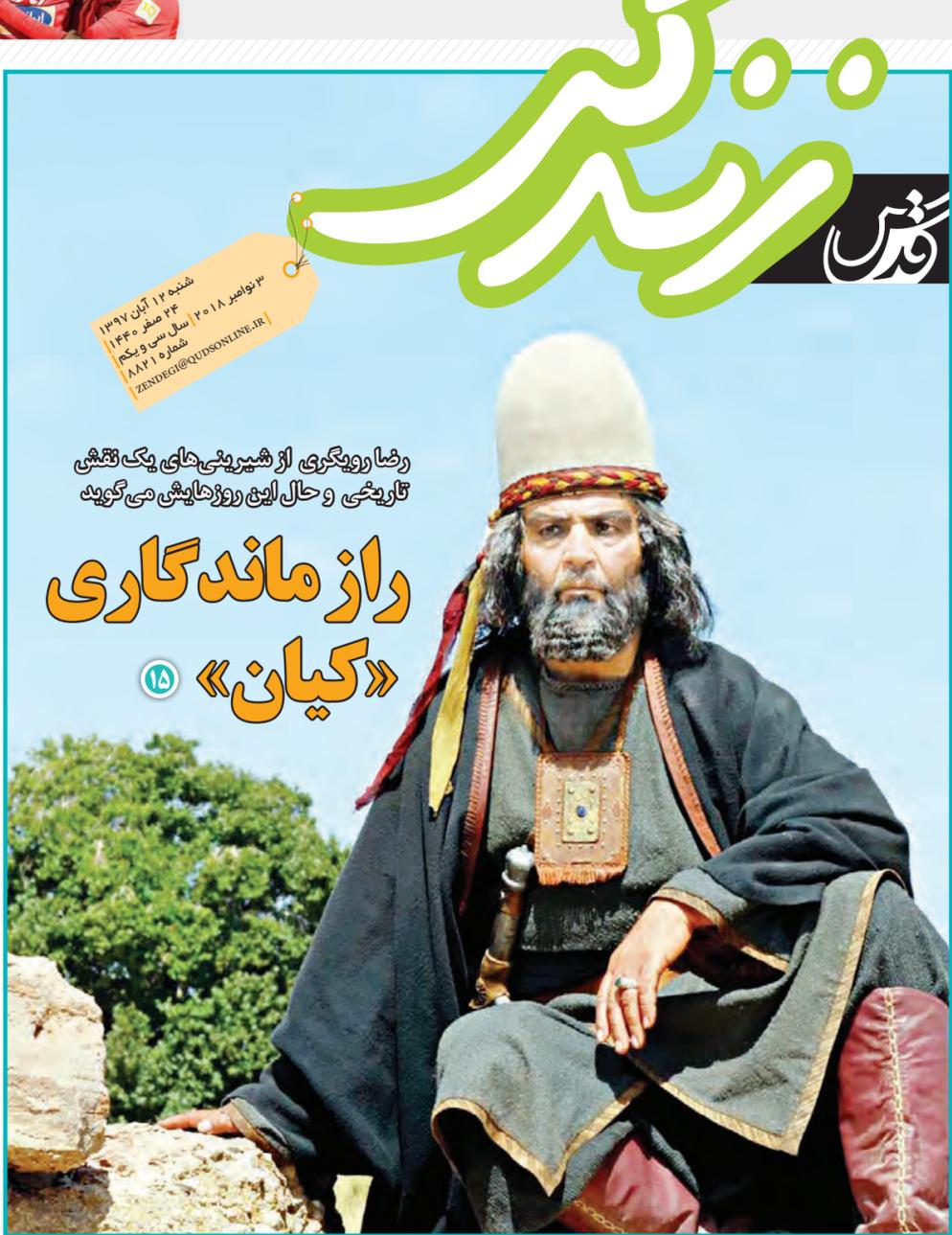
آگهی تجدید مزایده اموال منقول و غیر منقول

به موجب پرونده شماره کلاس سه ۹۷۰۴۶۰ اجرای احکام دادگستری طبقه شانزدهم محکوم علیه شرکت صنایع فلز و فلز توپیکان محکوم است به پرداخت ۱۶/۵۰۵۷۳۵ ریال بابت اصل خواسته و کلیه خسارات دادرسی در حق محکوم له حمید اکبرزاده رضایی و پرداخت نیم عشر دولتی نظر به اینکه محکوم علیه نسبت به پرداخت دیونش اقدامی نکرده است حسب تقاضای محکوم له اموالی به شرح ذیل در قبال اصل توقیف



راند نخست فینال لیگ قهرمانان آسیا ۹/۳ صبح امروز

شاخ گوزن را بشکن



رضا رویگری از شیرینی‌های یک نقشی تاریخی و حال لایح روزهای می‌گوید

راز ماندگاری «کیان»

شهرداری فریمان- ملک با پایان کار به شماره ۸۹/۲۶۸ مورخه ۱۳۸۹/۱۲/۴ شهرداری فریمان (پاسخ استعلام شهرداری فریمان- انطباق دارد سایر مشخصات فنی و عمومی ملک- نوع سازه و بنا دیوار باربر، مسقف طاق ضربی و سیستم سرمایشی و گرمایشی کولر آبی و بخاری گازی- مشخصات ساختمان در یک طبقه مستقل مورد استفاده است سقف طاق ضربی اشیرخانه فلزی کف سیمان و نما سیمان سفید حدود اربعه ملک شمالاً به طول ۱۰۶/۰ متر دیوارست به منزل

شماره: ۱۳۹۷۶۰۳۰۰۰۰۳۱۵۴ تاریخ: ۱۳۹۷/۰۸/۲۳ اداره کل ثبت اسناد و املاک خراسان جنوبی اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بیرجند

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ این نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۹۷/۰۳۰۰۰۱۰۰۳۰۳۱۵۴ مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۸ هیات اول ادم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنگنه تصرفات مالکانه بلاعوارض متقاضی آقای یحیی کریمی فرزند کمد علی به شماره شناسنامه ۴۲۷/۳۴۳۲ عاقده از در شن دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۷۰/۴۵ متر مربع پلاک ۱۲۷۹۰ فرعی از ۴۱۷ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۸۸ فرعی واقع در بخش ۱ زنگنه خرداری از مالک رسمی بنیاد مستضعفان مجزی گردیده است

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره کل تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد ۹۷۱۲۲۹۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۷/۸/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۸/۲۶

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ این نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۹۷/۰۳۰۰۰۲۲۰۰۰۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۸ هیات اول ادم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فرمان تصرفات مالکانه بلاعوارض متقاضی آقای حسن غلامحیدری فرزند غلامعلی بنامه شناسنامه ۲۳۷۵/۰۲۳۷۵ عاقده از فریمان در یک باب ساختمان به مساحت ۱۸۷/۷۰ مترمربع پلاک ۲۶۰۲ فرعی از ۲۷۶ اصلی واقع در بخش ۱۳ محل مالکیت مشایعی متقاضی مجزی گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد ۹۷۱۲۲۹۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۷/۷/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۸/۱۲

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ این نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۹۷/۱۲/۲۸ مورخ ۹۷/۱۲/۲۸ هیات اول ادم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فرمان تصرفات مالکانه بلاعوارض متقاضی آقای حسن غلامحیدری فرزند غلامعلی بنامه شناسنامه ۲۳۷۵/۰۲۳۷۵ عاقده از فریمان در یک باب ساختمان به مساحت ۱۸۷/۷۰ مترمربع پلاک ۲۶۰۲ فرعی از ۲۷۶ اصلی واقع در بخش ۱۳ محل مالکیت مشایعی متقاضی مجزی گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد ۹۷۱۲۲۹۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۷/۷/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۸/۱۲

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ این نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۹۷/۱۲/۲۸ مورخ ۹۷/۱۲/۲۸ هیات اول ادم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فرمان تصرفات مالکانه بلاعوارض متقاضی آقای حسن غلامحیدری فرزند غلامعلی بنامه شناسنامه ۲۳۷۵/۰۲۳۷۵ عاقده از فریمان در یک باب ساختمان به مساحت ۱۸۷/۷۰ مترمربع پلاک ۲۶۰۲ فرعی از ۲۷۶ اصلی واقع در بخش ۱۳ محل مالکیت مشایعی متقاضی مجزی گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد ۹۷۱۲۲۹۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۷/۷/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۸/۱۲

آگهی قدادن سند مالکیت مورخ ۱۳۳۰/۰۱/۰۱ و ۹۷/۰۸/۰۱ برگ استمده ۴۷۱۰۸۱/۵۵۸۱۶ دفتر خانه ۲ زایل اعلام داشته که سند مالکیت شناسنگ یکباب خانه با پلاک ۶۶۸ فرعی از ۲۲-اصلی واقع در بخش سه سنجان ذیل ثبت ۶۲۴۵ صفحه ۴۲ دفتر ۳۹ بنام محسن براهونی صادر و تسلیم گردیده و اعلام داشته که سر اثر جاجایی مفقود گردیده لذا با عنایت به تبصره ۵ ماده ۱۲۰ آیین نامه اصلاحی قانون ثبت املاک مصوب ۸۰/۱۱/۱۸ مراتب به استناد بند یک ماده مذکور در یکنوبت آگهی میشود که هر کسی نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد طرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی به این اداره مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت و یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نماید چنانچه طرف مدت مقرر اعتراض نرسمد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت ارائه نشود اداره ثبت اسناد زایل الجبئی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد. ۲۷۱۲۲۹۶ م الف:۱۲۹۵ تاریخ انتشار: شنبه ۹۷/۸/۱۲ مهدی پهلوانزی-رئیس ثبت اسناد و املاک زایل

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان زنگنه اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنگنه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۳۹۷/۰۳۰۰۰۱۰۰۳۰۳۱۵۴ مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۰۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ناحیه یک زنگنه تصرفات مالکانه بلاعوارض متقاضی آقای یحیی کریمی فرزند کمد علی به شماره شناسنامه ۴۲۷/۳۴۳۲ عاقده از در شن دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۷۰/۴۵ متر مربع پلاک ۱۲۷۹۰ فرعی از ۴۱۷ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵۸۸ فرعی واقع در بخش ۱ زنگنه خرداری از مالک رسمی بنیاد مستضعفان مجزی گردیده است

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره کل تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد ۹۷۱۲۲۹۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۷/۸/۱۲ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۸/۲۶

بلک ملت به استناد اسناد رهنی ۱۶۴۵ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۲۵ دفترخانه ۳۵۴ مشهدیزه اجاره بخت کلاسه ۹۶۳۱۳۰۰۰۰۰۰ کلاسه سهستی (۹۳۱۱۱) در قبال مبلغ ۲۸۱۱۵۷/۴۰۱ ریال علیه حسین احمدی رستگار صادر که پس از ابلاغ اجاره بخت مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۷ و در پایان مهلت مقرر در آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی، لازم الاجراء و تقاضای بانک مبنی بر ارزیابی و مزایده تعمیم شناسنگ پلاک ثبتی ۱۰۲۳۵ فرعی از ۲۷۶ اصلی باقیمانده ۷۴ فرعی از ۲۷۶ اصلی بخش ۱۳ مشهد (فریمان) ملکی حسین احمدی رستگار به ادرس فریمان- خیابان ۲۲ پهن-کوچه پرویزی نامین اجتماعی-اولین نیت سمت جب-پلاک ۱۸ به مبلغ ۱۳۵۰۰۰۰۰۰۰ (یک میلیارد و سیصد و پنجاه میلیون ریال) ارزیابی و قطعیت یافته که حدود و مشخصات و توصیف اجمالی ملک مدن شرح میباشد:

شماره ۱۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰ (مترمربع قدمت بنا (با چند سال ساخت می باشد) ۲۲ سال ساخت- نوع آبیان ۱۵۰۰ مترمربع قدمت نا (با چند سال ساخت می باشد) ۲۲ سال ساخت- نوع کاربری مسکونی است- متوجه آب -سوی-گاز-تلفن به صورت مستقل- شماره و تاریخ پایان کار ساختمان ۸۹/۲۶۷ مورخ ۱۳۸۹/۱۲/۴ شهرداری فریمان- شماره و تاریخ پاسخ استعلام

گفت و گو

خانه را همه ایرانی‌ها دیده‌اند، اما افراد کمی درباره‌اش اطلاعاتی دارند

پشت اسکناس دو تومنی!



یکی از عکس‌هایی که هیچ‌وقت کسی به آن توجه نمی‌کند، تصاویری است که روی پول‌ها چاپ می‌شود. ما ایرانی‌ها این قدر درگیر بالا و پایین شدن ارزش پولمان هستیم، که اصلاً کار نداریم پشت و روی پول چه چیزی چاپ کرده‌اند. مگر این‌که جنجالی درباره آن عکس‌ها به پا نشود که وقتی پول دستمان می‌دهند، تصویر رویش را با دقت نگاه کنیم. خانه آقا زاده ابرکوه یزد را احتمالاً پشت اسکناس دو هزار تومانی دیده‌اند. البته تا چندسال پیش همه فکر می‌کردند که فقط نقش چند بادگیر در شهر یزد را روی پول انداخته‌اند، تا این‌که مسئول شیرپاک خوردهای در بانک مرکزی پیدا شد و دستور داد که اسم خانه را هم بنویسند؛ خانهای که از قضا فرنگی‌ها آن را بیشتر از خودشان می‌شناسند و روزنامه‌گردین آن را در صدر فهرست مکان‌هایی که در ایران باید دید قرار داده‌است.

عمارت حاج حسین ابرقویی

در شهر ابرکوه استان یزد و میان کوچه پس‌کوچه‌هایی با دیوارهای کاهگلی، درست در میان محل قدیمی دروازه میدان، خانه زیبایی قرار دارد. خانهای قدیمی با بادگیری زیبا که هر جایی نمی‌توانید نظیرش را ببینید. این خانه که «خانه آقا زاده» نام دارد، حدود سال ۱۱۵۷ خورشیدی، به سفارش حاج حسین ابرقویی، از ثروتمندان شهر ابرکوه بنا شد؛ خانهای با مساحت ۸۲۰ مترمربع در زمینی به مساحت ۱۵۰۰ مترمربع که تمام شهرت‌ها را مدیون شاهکار بالای سرش است؛ بادگیری دو طبقه و بسیار زیبا که در بافت قدیمی قد برافراشته و خودنمایی می‌کند. به محض ورود به این خانه زیبا تا یک دالان عبور کرده و به حیاط زیبایی می‌رسیم که با قله و سنگ‌های صاف سنگ‌شده است. حوض مستطیلی در مرکز حیاط صفای خاصی به خانه بخشیده است؛ اما مسحور این حوض نشوید و سر تان را بالا بگیرید تا خانه دو طبقه‌ای را ببینید که با پنجره‌های ارسی و شیشه‌های رنگی مزین شده و تاج پادشاهی دو طبقه‌ای به نام بادگیر بر سر دارد که در کنار کلاه فرنگی خانه ترکیب زیبایی را پدید آورده است.



معماری خاص!

خانه آقا زاده، بنایی دو طبقه است مانند سایر خانه‌هایی که در بخش‌های کویری ایران ساخته می‌شوند و از مصالح بومی مثل خشت و آجر بهره گرفته است. همچنین برای تزئینات خانه، درها و پنجره‌ها از چوب و برای گچ‌بری این ملات گچ استفاده شده است. سردر ورودی بنا در ضلع شمال غربی این قرار گرفته و از سقف دالانی به گوشه حیاط راه پیدا می‌کند. خانه مثل سایر خانه‌های ساخته شده در مناطق کویری دارای یک حیاط دلپذیر است و وسط آن یک حوض سنگی بزرگ وجود دارد. در سه جهت حیاط، اتاق‌ها و بخش‌های مختلف خانه ساخته شده این امر به جهت استفاده از بخش‌های مختلف خانه در فصول مختلف انجام شده است. چرا که در هر فصل جهت تابش نور خورشید تغییر کرده و یک بخش از خانه نورگیر می‌شود. اتاق جنوبی دارای پنج دری و خیشخان روی بام اتاق بادگیری وجود دارد که این خانه را از تمامی خانه‌های دیگر متمایز می‌کند، چرا که بلندترین بادگیر ساخته شده در ایران است. اتاق‌های شرقی و غربی نیز به شکل سه دری و پنج دری هستند.

بادگیر ۱۸ متری

مهم‌ترین بخش خانه آقا زاده ابرکوه بادگیرهایش است. بادگیرها برج‌هایی هستند که معمولاً در مناطق کویری جهت تهویه هوا و بر فراز خانه ساخته می‌شوند و از نظر معماری و شکل ظاهری و کارکرد انواع متفاوتی دارند. بادگیرهای موجود در ایران به سه نوع: اردکانی، گرمائی و یزدی تقسیم می‌شوند. بادگیر یزدی از سایر بادگیرها بزرگ‌تر و بلندتر بوده و معمولاً چهار طبقه یا هشت طبقه ساخته می‌شود. بادگیرهای شهر یزد بر فراز اتاق تابستان نشین که در ضلع جنوبی خانه قرار دارد، ساخته می‌شود و این امر در مورد خانه آقا زاده نیز صدق می‌کند. بادگیر خانه آقا زاده همان طور که از محل ساختنش بیادست به سبک یزدی ساخته شده و بر فراز تالار اصلی قرار گرفته و دو طبقه است. همین امر این خانه را از بسیاری دیگر از خانه‌های مناطق کویری متمایز می‌سازد. این بادگیر زیبا، ۱۸ متر ارتفاع و ۱۸ مترمربع مساحت و ۱۹ درجه تنظیم جریان هوا دارد. این بادگیر به شکلی دقیق مهندسی شده تا حتی زمانی که باد چندانی نمی‌وزد، عمل تهویه اتاق را انجام می‌دهد.

اتاق‌هایی برای ۴ فصل سال

خانه آقا زاده شامل چندین اتاق پنج دری و سه دری است که در دو طبقه قرار گرفته‌اند. اتاق تابستان نشین این بنا در بخش جنوبی حیاط قرار گرفته تا در تابستان از تابش مستقیم آفتاب در امان بماند. در بخش ورودی این اتاق ایوان وجود دارد که یک فضای نیمه باز است. این ایوان هم مثل سایر خانه‌های ساخته شده در مناطق کویری جز در مواقع بسیار سرد سال مهم‌ترین فضای زندگی در خانه بوده‌اند. تزئینات این بخش از اتاق به خاطر باز بودن فضا و قرار گرفتن در معرض گرد و غبار، معمولاً ساده‌تر از بخش‌های دیگر است. بادگیر بر فراز این اتاق قرار دارد. اتاق خیشخان (دار آفرین) هم در کنار اتاق تابستانه بوده و سقف آن دارای نورگیری تحت عنوان خیشخان است. خیشخان را با حصیر، سفال و یا بوته‌های خاردار می‌پوشانند و بر آن آب می‌پاشیدند تا اتاق خنک شود.



روایتی از «کافه دانتیسم» که ۳۸ نفر از بچه‌های «سندروم داون» و «اوتیسم» را شاغل کرده است

متفاوت‌ترین کافه ایران

پیش بره، اما موج دوباره‌ای را ایجاد کرد که رونق را به کافه برگرداند. «آلین آگاهی» پشت میز مصاحبه صفحه مردم از همه این اتفاقات می‌گوید؛ میز مصاحبه‌ای که در خیابان ونک تهران، وسط پاساژ آینه و داخل کافه دانتیسم پهن شده است.

شد، با تبلیغات اول کار، کم‌کم سلبیتی‌ها آمدند و با آمدن آن‌ها پای مردم هم به کافه باز شد؛ روتنی که اجازه می‌داد آلین به کلی از بچه‌ها حقوق خوب بدهد. بعدها اما کم‌کم ورق برگشت و مشکلاتی پیش آمد که کافه را از آن رونق سابق انداخت؛ مشکلاتی که هر چند کافه را تا احتمال تعطیلی

امردم/ عباسعلی سپاهی یونسی اردیبهشت امسال بود که خبر راه‌اندازی «کافه دانتیسم» بخش شد؛ کافه‌ای که «آلین آگاهی» با تجربه نزدیک به دو دهه آموزش بچه‌های داون و اوتیسم راه انداخته بود و همه کارکنانش را همین بچه‌ها تشکیل می‌دادند. گام اول کافه خیلی سفت و محکم برداشته

برش

هدف من از راه‌اندازی کافه این بود که حتی شده دو نفر از این بچه‌ها مستقل شوند، ولی حمایت‌نشده‌ایم و چون واقعاً زندگی‌شان به حساب خانواده‌های آن‌ها واریز کردند، من سبب اختلاف در شروع کار کافه شد و هم موجب شد که عملاً پولی به دست من نرسد. این بود که به سازمان گفتیم کار شما درست نبوده و فقط ۲۷ میلیون تومان به حساب ۹ نفر از بچه‌ها واریز کرده‌اید، در حالی که من ۷۰ میلیون تومان پول پیش داده‌ام و ماهی یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان هم کرایه، البته متأسفانه دیگر جوابی به من ندادند.

است. من هم همان کار را کردم. حتی گفتند پرسوه اداری دادن پول تا دو هفته دیگر تمام می‌شود. من همه این موارد را بیان کردم، ولی بعد از افتتاح کافه به ازای هر کدام از بچه‌ها سه میلیون تومان به حساب خانواده‌های آن‌ها واریز کردند، من سبب اختلاف در شروع کار کافه شد و هم موجب شد که عملاً پولی به دست من نرسد. این بود که به سازمان گفتیم کار شما درست نبوده و فقط ۲۷ میلیون تومان به حساب ۹ نفر از بچه‌ها واریز کرده‌اید، در حالی که من ۷۰ میلیون تومان پول پیش داده‌ام و ماهی یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان هم کرایه، البته متأسفانه دیگر جوابی به من ندادند.

برای همین است که خبر احتمال تعطیلی کافه پخش شده؟

راستش را بخواهید هدف من از راه‌اندازی کافه این بود که حتی شده دو نفر از این بچه‌ها بعد از مدتی کار را یاد بگیرند و مستقل شوند، ولی همانطور که گفتیم ما حمایت‌نشده‌ایم و چون واقعاً زندگی شخصی‌ام هم تحت‌تأثیر قرار گرفته بود، از چند هفته قبل درباره وضعیت کافه اطلاع‌رسانی کردم و گفتیم که اگر کار به این شکل پیش برود، کافه را جمع می‌کنیم. البته خدا را شکر بعد از اطلاع‌رسانی، مردم کمک کردند و خوشبختانه حدود یکی دو هفته‌ای می‌شد که کافه دوباره رونق گرفته. البته ترس من این است که این سونامی باشد و دوباره سریع تمام شود.

هدفم از راه‌اندازی کافه نشان دادن توان بچه‌ها بود

موزیسین‌هایی که اوتیسم دارند

ریال آخر آن را برای ادامه کار کافه هزینه کنم.

به نظر خودتان چه کاری باید انجام داد که این نگرانی که هنوز ته ذهن شما برای ادامه کار کافه وجود دارد از بین برود؟

انتظار من از مردم این است که وقتی می‌بینند چنین کاری برای اولین بار در ایران راه افتاده، پیگیر ماجرا باشند. من نمی‌گویم که به ما کمک مالی کنید، اما پیگیر مسائل این کافه باشید. وقتی ما روز در اینستا فیلم نمی‌گذاریم، بعضی‌ها پیگیر می‌شوند. همین پیگیر شدن دلخوشی ماست، روزی که من به برنامه «ماه عسل» دعوت شدم با این استدلال بود که کار کردن در کافه دانتیسم؛ یعنی اطراحت متفاوت و مختلف. بچه‌ها هر روز شیرین‌کاری‌های خاص خودشان را دارند. مثلاً به یکی از بچه‌های کافه، مدیریت داخلی را واگذار کرده بودم. بعد از آن روز متوجه شدم بقیه بچه‌ها او را کنار می‌کشند و از او می‌پرسند چه کار کرده که مدیر شده؟ آن طفلک هم نمی‌توانست به درستی توضیح بدهد. بعد متوجه شدم که او در توضیح گفته به حرف‌های خانم آگاهی گوش داده‌ام و ظرف‌ها را هم درست شسته‌ام! بعد از مدتی متوجه شدم تعدادی از بچه‌ها به فرمان او درآمده‌اند. مثلاً می‌دیدم یکی از بچه‌ها پنج بار شیشه‌ها را تمیز می‌کند. وقتی از او علت را پرسیدم، گفت: «مدیر داخلی از من خواسته این کار را بکنم.» مدیر داخلی هم در توضیح این دست‌ورش می‌گفت: «حالا بگذر این کارها را بکند تا دیرتر مدیر داخلی شود!»

ولی امید داشتید که این هزینه‌ها از کافه دربیاید؟

ببینید، بعد از این قضایا من ماندم و خانواده‌هایی که پول را برداشتند و رفتند، چون از نظر آن‌ها حساب فرزندان‌شان ریخته شده بود. البته اگر سازمان آن ۲۷ میلیون تومان را به خود من با همین امیدواری هم کافه شروع را بگرد و افتتاح شد. روز افتتاح هم سیل دوربین‌ها و آدم‌ها و رسانه‌ها بود که به کافه می‌آمدند. در همان روز از طرف سازمان به من گفتند شما جلوی دوربین‌ها بگویند که با کمک سازمان این اتفاق رقم خورده

به طور معمول هم راه‌اندازی یک کافه کار آسانی نیست، ولی شما این کار را با شرایط خیلی خاص انجام دادید. نگران نبودید بچه‌ها نتوانند مسئولیتی را که به عهده دارند، انجام دهند؟

نه، در این زمینه نگرانی و دغدغه‌ای نداشتم. اصلاً می‌خواستیم با راه‌اندازی این کافه توانایی این بچه‌ها را به مردم هم نشان بدهیم. بعضی از این بچه‌ها که به شکل بسیار حرفه‌ای موسیقی اجرا می‌کنند بچه‌هایی بودند که مدارس آن‌ها را نپذیرفته بودند. ما بچه‌هایی داریم که سواد خواندن و نوشتن ندارد، اما می‌تواند هر قطعه موسیقی را که جلوش بگذارد، اجرا کند.

از طرفی یکی دیگر از وجوه کار شما استقبال مشتریان است. تحلیل خودتان از اینکه کافه نتوانست آن استقبال روزهای اول را داشته باشد، چیست؟

کافه کار در افتتاح کردیم، دو هفته بعد همزمان شد با ماه رمضان. بعد از آن هم یکی دو هفته طول کشید تا اطلاع‌رسانی شود که ما دوباره به کافه برگشته‌ایم. بعد از این ماجراها هم با تغییراتی در نحوه کار پاساژ که کافه آنجاست مواجه شدیم. مثلاً تصمیم گرفتند همه جمع‌ها و ایام تعطیل، پاساژ را تعطیل کنند. این اتفاقات باعث شد ما روزهای تعطیل را که می‌توانست روز آمدن مشتری باشد، از دست بدهیم.

با این وجود از راه‌اندازی کافه پشیمان نیستید؟ نه فقط مشکل من این است که پس‌اندازی ندارم تا بتوانم تا

ایده راه‌اندازی کافه دانتیسم از کجا آمد؟

من ۱۷ سال است معلم بچه‌های دارای اختلالات روانی مانند سندروم داون و اوتیسم هستم. ۶ سال هم می‌شود که با بچه‌ها کنسرت‌های حرفه‌ای برگزار می‌کنیم و تا امروز بیش از ۲۰۰ اجرا در فرهنگسراها و دیگر مراکز تهران و برخی از شهرستان‌ها داشته‌ایم. در این ۶ سال که به شکل حرفه‌ای با بچه‌ها کنسرت برگزار می‌کنیم، متوجه واقعیتی شدم. دیدم بعد از اجرای هر کنسرت، بچه‌ها دچار استرس می‌شوند. وقتی هم که ماجرا را با پیگیری کردم، به این نتیجه رسیدم که بچه‌ها با خودشان فکر می‌کنند در کنسرت بعدی خواهند بود یا نه. مثلاً می‌گفتند چرا من در این کنسرت نبودم یا می‌پرسیدند ممکن است در کنسرت بعدی باز هم باشم؟ این پرسش‌ها از طرف بچه‌ها من را به این نتیجه رساند که این بچه‌ها با بودن و دیده شدن در جامعه احساس خوشایندی دارند و اگر بدانند دیده نمی‌شوند، دچار اضطراب می‌شوند. این ماجرا سبب شد به راهکارهای حضور بچه‌ها در جامعه فکر کنیم، آن هم نه در حد اجرای یک کنسرت، بلکه حضور دائمی در بین مردم. برای همین فکر کردم که چه کارهایی هست که این بچه‌ها بتوانند انجام بدهند. دیدم متأسفانه در ایران بچه‌های سندروم داون و اوتیسم در کارهای محدودی وارد شده‌اند. مثلاً یک نفر توانسته وارد کار در کارخانه‌ای

«آلین آگاهی» از ۱۷ سال تجربه کار متفاوتش می‌گوید

همه کار روی دوش خود بچه‌هاست

شما گفتید که کار با بچه‌های سندروم داون و اوتیسم از ۱۷ سال پیش شروع کردید. اصلاً چطور شد سراغ این بچه‌ها رفتید؟

یکی از بستگان ما در مدرسه دخترانه کودکان استثنایی مشغول به کار بود. در آن مدرسه آقایی هم بود که به بچه‌ها موسیقی یاد می‌داد. در یکی از مراسم‌ها قرار بود ایشان برنامه اجرا کند، اما شش‌ماه اطلاع داده بود که به علت گرفتاری نمی‌تواند در برنامه شرکت کند. این‌طور بود که به یاد من افتاده بودند. خلاصه روز مراسم رفتیم و برنامه اجرا شد. بعد از آن اجرا کسانی که از اداره آموزش و پرورش برای شرکت در برنامه آمده بودند، گفتند چرا وقتی خانم هست، یک آقا در جمع بچه‌ها موسیقی اجرا کند؟ این جوری شد که مدرسه به پیشنهاد اداره، از من خواست با بچه‌ها کار کنم.

و این آشنایی بعد از ۱۷ سال شما را به سمت شروع کار اقتصادی همراه با بچه‌ها کشاند. در شروع ترس نداشتید که موفق نشوید؟ یعنی کسی به شما نگفت که این کار را شروع نکن؟

حقیقتش را بخواهید من با کسی مشورت نکردم، چون ایده‌ای بود که دوست داشتم حتماً آن را عملی بکنم. اصلاً هم به این فکر نکردم که موفق خواهم شد یا نه. البته با قول سازمان بهزیستی خیلی امیدوار شدم که حتماً موفق خواهم شد.

انتخاب بچه‌ها برای کار در کافه به چه شکل انجام شد.

به روایت تصویر



برگزاری شب شعر ضد آمریکایی «هر چه فریاد»

مهر: ششمین شب از شب‌های شعر مقاومت با عنوان «هر چه فریاد» عصر امروز دوازدهم آبان ۱۳۹۷ در مؤسسه فرهنگی هنری شهرستان ادب برگزار می‌شود. شاعران سرشناس انقلاب در این برنامه، سروده‌های خود را در یادداشت شهیدان مبارزه با آمریکا و استکبار جهانی و درباره آغاز دوران افول این امپراتوری برای حضار می‌خوانند.



ششمین شب از شب‌های شعر مقاومت با عنوان «هر چه فریاد» که از ساعت ۱۸ آغاز می‌شود به صورت نمادین شبی را انتخاب کرده است که فردای آن، روز تسخیر لانه جاسوسی ایالات متحده و روز مبارزه با استکبار جهانی است. عنوان این برنامه از گفته مشهور امام خمینی (ره) گرفته شده است که فرمودند: «هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بکشید». پیش از این پنج شب از «شب‌های شعر مقاومت» به همت مؤسسه شهرستان ادب برگزار شده بود که با استقبال گسترده شاعران و مخاطبان ادبیات همراه شده بود. آخرین مراسم «شب‌های شعر مقاومت» نیز با عنوان «تهران - بیروت» با حضور شاعران ایرانی و لبنانی و جمعی از چهره‌های درخشان فرهنگ و هنر مقاومت (۱۲ خرداد ۱۳۹۷) با موضوع شعر مقاومت و شعر ضد استکباری در مؤسسه شهرستان ادب برگزار شد.

مؤسسه شهرستان ادب در خیابان شریعتی، بالاتر از سه راه طالقانی، پلاک ۱۶۸، طبقه چهارم واقع شده است.

اجرای تعزیه در خانه هنرمندان ایران

مهر: خانه هنرمندان ایران تا ۱۶ آبان میزبان اجرای تعزیه گروه کانون کهریای تعزیه است.



مجید خسروآبادی سرپرست گروه کانون «کهریای» تعزیه است. از دیگر اعضای این گروه می‌توان به میرزا ابوالفضل منتک کار، یحیی گلوردی، مهدی بخشی، کاظم جده خواه و... اشاره کرد. فصل و فتاح، حجه الوداع امام حسین (ع)، شهادت عیسی و شوزب، شهادت وهب و غلام ترک، شهادت حر بن یزید ریاحی، ورود اسرا به مدینه، شهادت امام حسن (ع)، شهادت امام رضا (ع) و شهادت شاهچراغ مجالس تعزیه شب‌های پیش رو است.

علاقه‌مندان می‌توانند تا چهارشنبه ۱۶ آبان هر شب ساعت ۱۸ به فضای باز خانه هنرمندان ایران مراجعه کنند.

«ادبیات داستانی عامه»

به قلم حسن ذوالفقاری منتشر شد

مهر: کتاب «ادبیات داستانی عامه» تألیف حسن ذوالفقاری، پژوهشگر در حوزه ادبیات عامه و مدیر گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، منتشر شد. کتاب «ادبیات داستانی عامه» بر پایه پژوهش‌های چندساله حسن ذوالفقاری در داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها و فرهنگ عامیانه فارسی تألیف و از سوی نشر «خاموش» به چاپ رسیده است. پیشتر کتاب‌های «فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی» و «باورهای عامیانه مردم ایران»، «ادبیات مکتبخانه‌ای ایران»، «یکصد منظومه عاشقانه فارسی»، «چهار درویش» و... از این نویسنده منتشر شده بود. به مناسبت انتشار کتاب «ادبیات داستانی عامه» مراسمی برای رونمایی از آن در ساعت ۵ بعد از ظهر امروز شنبه ۱۲ آبان در خانه گفت‌وگو شهر با حضور نویسنده برگزار می‌شود.

فراخوان هشتمین جشنواره استانی شعر و داستان سوره

مهر: رضا میرزایی، رئیس حوزه هنری استان مرکزی از برگزاری هشتمین جشنواره استانی شعر و داستان سوره در دو مقطع بزرگسال و دانش‌آموزی در اراک خبر داد.



وی در همین خصوص بیان کرد: هشتمین دوره جشنواره استانی شعر و داستان سوره در گروه سنی ۱۸ سال به بالا در دو بخش شعر و داستان کوتاه با اولویت‌های موضوعی انقلاب اسلامی و جنبش بیداری اسلامی، دفاع مقدس، خانواده و اخلاق، تمدن اسلامی، عدالت و پیشرفت، امید به آینده، حمایت از کالای ایرانی، عفاف و حجاب، آسیب‌های اجتماعی و ترویج حقوق شهروندی در بهمن‌ماه سال جاری برگزار خواهد شد. هنرمندان حداکثر تا پایان دهم آبان خود را از طریق پست الکترونیکی info@artmarkazi.ir و یا به نشانی اراک، خیابان قائم مقام، میدان ساعت ارسال کنند.

انتشار «غوغای غزل: از سنایی تا سایه»

فارس: «غوغای غزل: از سنایی تا سایه» گزیده ۴۰۰ غزل از ۱۰ غزلسرای برجسته ادب فارسی است که از هر کدام به تساوی ۴۰ غزل منتخب شده است. این غزلسرایان عبارتند از سنایی، عطار، مولانا، سعدی، عراقی، حافظ، فروغی، شهریار، عماد و سایه. تعداد ابیات هر غزل بین پنج تا ۱۰ بیت و مجموع ابیات کل غزل‌ها ۳۰۰۰ بیت است، به علاوه چینی شاعران بر اساس تقدم تاریخی و جنبش غزل‌ها برای هر شاعر به صورت مجزا طبق ترتیب الفبایی مطلع غزل‌هاست. در مقدمه این گزیده که به اهتمام سید محمد تولیت منتخب و منتشر شده است، آمده: در هر گزیده‌ای به ناچار ذوق و سلیقه گزینش‌کننده دخیل است و این کتاب هم از این قاعده مستثنا نیست. اما چیزی که نگارنده در انتخاب غزل‌ها متکی به آن بوده چیزی نبوده است مگر مصلحت وقت. تمام همت بر آن گماشته شد تا غزل‌ها و بیت‌هایی گزینش‌شده که بیش از هر چیز وقت مخاطب را خوش کند. به اذعان تولیت، این اثر مجموعه‌ای است از عاشقانه‌هایی لطیف، که متعلق‌اند به سرآمدان غزل فارسی. برای دل‌هایی که طالب وقت خوش‌اند و حال خوش.

گفت‌وگو با مجتبی ذبیحی، مسئول گروه سرود آسمان درباره تجربه اجرای سرودهای میدانی در مسیر پیاده‌روی اربعین

عراقی‌ها عاشق سرود «مختار» بودند



ادب و هنر/ جواد شیخ الاسلامی از همان روزهای ابتدایی انقلاب اسلامی، با اجرای سرودهایی که در تظاهرات و راهپیمایی‌ها با شور و حرارت خوانده می‌شد و از نخستین لحظاتی که امام (ره) پس از سال‌ها دوری از وطن، قدم به بهشت زهرا تهران گذاشتند و سرود «برخیزید، برخیزیدای شهیدان راه خدا» در محضرشان اجرا شد، می‌شد حدس زد که نقش سرود در این انقلاب بسیار پررنگ و حیاتی خواهد بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در طی هشت سال دفاع مقدس، نقش و تأثیرگذاری این هنر مردمی بیشتر از قبل آشکار شد و در مهم‌ترین برهه‌ها بیشترین نقش را در همدلی و اتحاد مردم داشت. گروه سرود «آسمان» مشهد، در ایام اربعین با سرودهایی مناسب حماسه اربعین قدم به این دریای خروشان گذاشته است. با سیدمجتبی ذبیحی، مسئول گروه سرود آسمان درباره چگونگی شکل‌گیری این ایده، نحوه تولید سرودها، میزان استقبال زائران از اجرای سرود و چند و چون این تجربه صحبت کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

ایده اجرای سرود در مسیر نجف تا کربلا برای زائران اربعین چطور شکل گرفت و عملیاتی شد؟

با امسال، ما سه سال است که توفیق اجرای سرود در پیاده‌روی اربعین را داریم. اصل ایده هم کار خود ما بود. چند سال قبل که خودم هنوز نتوانسته بودم به مراسم اربعین بروم، با دوستان هنرمند در ارتباط بودم و دیدم ۶-۵ نفر از اعضای گروه سرود به صورت جدا جدا اربعین هستند. با خودم گفتم چقدر خوب است که ما با هم جمع بشویم و آنجا سرودی را اجرا کنیم. البته تصورمان اصلاً این‌گونه نبود که وسط میدان برویم، سیستم صوت بگذاریم و این‌قدر حساب‌شده اجرا کنیم. در ذهنم بودم که مثلاً نزدیک حرم حضرت علی (ع) و حرم امام حسین (ع) برویم و همان وسط یک اجرایی داشته باشیم. هنوز نرفته بودم و اصلاً آشنایی با شرایط آنجا نداشتم. حالا که رفتم می‌بینم که اصلاً چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. صدا به صدا نمی‌رسد و نمی‌شود در آن محدوده سرود اجرا کرد. تجربه اجرا در اربعین را هم نداشتیم و هیچ‌کس هم از ما حمایت نکرد. حتی اجازه سیستم صوت را هم خودمان می‌دادیم. بچه‌ها سیستم صوت را با چه سختی‌ای از مرز رد کردند در آن شلوغی‌ها و گرد و غبارها از نجف تا کربلا سیستم صوت را روی چرخ گذاشتیم و دنبال خودمان کشیدیم و همه این‌ها واقعاً طاقت‌فرسا بود.

هم زیاد از تلویزیون پخش می‌شد. وقتی ما این کار را در عراق کردیم همزمان با اجرای ما تلویزیون عراق هم سریال مختار را در شبکه‌های خودش پخش می‌کرد. این خیلی کمک کرد که آن‌ها برای مردم عراق هم دوست داشتند و خاطره انگیز شود. در حقیقت اصلاً فکر نمی‌کردیم چنین استقبالی از اجراهایمان بشود. شعرهای فارسی این سرودها خوب بود و همان شعر فارسی به عربی ترجمه شده بود. عراقی‌ها در زبان خودشان به سرود می‌گویند «نشید». هرجایی که ما را می‌دیدند می‌گفتند «نشید مختار»!

سال سوم اجرا در اربعین، چه تفاوتی با سال اول داشت؟

سال اول وقتی به یک موکب عراقی می‌گفتم می‌خواهیم سرود اجرا کنیم، می‌گفتند ما داریم شرت می‌دهیم، نمی‌شود. اما وقتی با اصرار ما قبول می‌کردند و ما اولین اجرا را تمام می‌کردیم، دیگر آن‌ها بودند که ما را ره‌سار می‌کردند. امسال خوشبختانه هرجایی که می‌رفتم سریع موبایلشان را در می‌آوردند و می‌گفتند که ما فیلم سال‌های پیش تان را هنوز داریم. بعضی به شوخی می‌گفتند ما در عراق از رئیس جمهور عراق هم مشهورتریم! یعنی گاهی بین موکب‌ها دعواست که ما برای اجرا یا استراحت به کدام موکب برویم.

جای خالی تئاتر در فعالیت‌های هنری

یک اتفاق خوبی که من در این دو سه سال اخیر با آن آشنا شدم «موکب القلم» است که در عمود ۸۲۸ رده، طراحان و نقاشان در آنجا حضور دارند و کار هنری تولید می‌کنند. هنرمندان مشهدی در این موکب نقاشی می‌کشیدند و برای مردم هم واقعاً جذاب بود. در کنار نقاشی و طراحی این دوستان، ما پوست کار آن‌ها شدید که هم برای ما و هم برای آن‌ها خوب بود. استقبال از آن‌ها هم بسی نظیر بود. بخش‌های دیگری و امام حسین (ع) و... می‌نوشتند.

جواب دادم: ما به این نتیجه رسیدیم که توابع این اجراها کمتر از زیارت نیست. درباره تعداد کسانی که اجراهای ما را شنیده‌اند هم باید بگویم ما انصافاً اجرایی نداشتیم که کمتر از ۲۰۰-۳۰۰ نفر مخاطب داشته باشد حتی بعضی وقت‌ها به ۱۰۰ و ۲۰۰ نفر هم می‌رسید.

برای سال‌های بعد چه کارهایی در ذهن دارید که انجام بدهید، چون اربعین سرودهای مختص به خود را هم لازم دارد: سرودهای حماسی و مناسب حال اربعین؟ به این دلیل که چهار پنج روز در نجف حضور داریم و سرود درباره امیرالمؤمنین (ع) نداریم، قرار است برای سال آینده یک سرود با این محتوا آماده کنیم. قطعاً ملودی جدید هم تأثیرگذار است و باید انجام بدهیم، چنانکه سرود «بوی سیب» و «شیدا شده دلم» که امسال اجرا کردیم جدید بودند و خیلی به استقبال شد. قصد داریم یک کار هم برای حضرت قائم (عج) بسازیم.

انچه می‌خوانید

وقتی ما این کار را در عراق اجرا کردیم همزمان با اجراهای ما تلویزیون عراق هم سریال مختار را در شبکه‌های خودش پخش می‌کرد. این خیلی کمک کرد که آن آهنگ برای مردم عراق هم دوست داشتند و خاطره انگیز شود.

هر روز چند اجرا داشتید؟

ما حداقل روزی ۵۰ تا اجرا داشتیم. آن قدر پشت سر هم اجرا می‌کردیم که بعد از اجراهای دیگر نای هیچ کاری نداشتیم و می‌فادایم. از من سؤال کردند با این وضع وقتی برای زیارت رفتن دارید؟

ملودی‌های خاطره انگیز و شعرهای به‌روز

پنج سرودی که می‌خواندیم کارهایی بودند که ملودی آن‌ها در ذهن مردم وجود داشت، به طور مثال با اینکه سال سومی است که آهنگ مختار را اجرا می‌کنیم اما هنوز هم مردم اصرار دارند آن را بخوانیم. تفاوت مهم دیگر ما با سایر گروه‌ها این است که ما در تمام سرودهایمان مشارکت مردم را هم داریم، یعنی یک بخش از سرود را طوری آماده کردیم که مردم حتماً باید مشارکت کنند. شعر مختار را که خود شما زحمت کشیدید، مثلاً یک شعر از حجت الاسلام سیدمحمد مهدی شفیع است که کار «چله داغ» است، یک شعر را هم خاتم رجایی گفتند.

فرق ما با بقیه گروه‌های سرودی که به زیارت اربعین آمده‌اند همین است که ما واقعاً شعرهایمان به‌روز است و جزو محدود گروه‌های هستیم که سرودهایمان هم به زبان فارسی و هم به زبان عربی است. خیلی از گروه‌ها می‌آیند و فقط در مورد امام حسین (ع) یک سرود فارسی می‌خوانند و تمام امام‌سرودهایمان با کلیدواژه‌ها و مضامین روز و متناسب با اتفاقات و فضای جامعه است. فرق دیگر ما این بود که ترجیح دادیم ملودی‌های خاطره انگیز و نوستالژیک را انتخاب کنیم که خیلی هم تأثیرگذار بود. چهار

کوتاه و خواندنی

نمایشگاه «ماهی‌ها هرگز نمی‌میرند» برای شهدای غواص

مهر: پیمان طهماسبی ارشلو با استفاده از چوب و فلز هفت مجسمه به شکل ماهی طراحی کرده است تا در قالب نمایشگاهی با عنوان «ماهی‌ها هرگز نمی‌میرند» دین خود را به شهدای غواص ادا کند. ارشلو که مجسمه‌هایش را از ۱۱ آبان ماه در گالری سلمان به نمایش گذاشته است، درباره این آثار گفت: من در نمایشگاه «ماهی‌ها هرگز نمی‌میرند» با عرضه هفت مجسمه که با تکنیک‌های مدرن ساخته شده‌اند، سعی داشتم به نوعی دین خود را به شهدای غواص ادا کنم. وی تصریح کرد: هیچ علاقه‌ای به هنر سفارشی ندارم و معتقد هستم هنر باید از وجود هنرمند بگذرد تا در نهایت بتواند جایگاه خود را پیدا کند.



توقف ۱۰ روزه نمایش فیلم‌های کم‌دی در مشهد

فارس: اکران فیلم‌های کم‌دی در شهر مقدس مشهد به احترام ایام شهادت امام حسن (ع) و امام رضا (ع) و همچنین رحلت رسول اکرم (ص) به مدت ۱۰ روز متوقف شد. علی سرتیپی، رئیس کانون پخش‌کنندگان سینمای ایران ضمن تأیید این خبر گفت: توقف اکران فیلم‌های کم‌دی به احترام ایام شهادت امام رضاع) که از روز دوشنبه ۱۷ آبان‌ماه در شهر مشهد آغاز شده بود، تا روز پنجشنبه ۱۷ آبان‌ماه ادامه پیدا می‌کند. وی افزود: از روز جمعه ۱۸ آبان اکران مجدد فیلم‌های کم‌دی در شهر مشهد از سر گرفته می‌شود. بنابر این گزارش، سینماهای کشور در هفته گذشته نیز به مناسبت ایام اربعین حسینی به مدت دو روز تعطیل بود.



استقبال از اولین اجرای نمایش «نان خون»

ادب و هنر: اجرای نمایش «نان خون» با حضور هنرمندان تئاتر و مسئولان فرهنگی هنری خراسان رضوی آغاز شد. به گزارش قدس و به نقل از روابط عمومی حوزه هنری خراسان رضوی، در مراسم افتتاحیه این نمایش محمد جواد استادی، رئیس اداره ارشد مشهد، میثم مرادی، رئیس حوزه هنری خراسان رضوی و جمعی از هنرمندان و پیشکسوتان تئاتر حضور داشتند. این نمایش روایتی است از واقعه عاشورا که نویسنده‌ی آن را رضا وحید و کارگردانی اثر را کریم جشتی بر عهده دارند. این نمایش تا روز جمعه ساعت ۶ عصر در تماشاخانه اشراق اجرا می‌شود. گفتنی است در مراسم افتتاحیه «نان خون» عنوان شد تمامی عواید این نمایش نذر زائران پیاده امام رضاع) خواهد شد.



هنر های تجسمی

۱۳ آبان افتتاح می‌شود

«دونالد سلمان» جدیدترین نمایشگاه کاریکاتور شجاعی



مهر: نمایشگاه کاریکاتور «دونالد سلمان» با موضوع استکبارستیزی با آثاری از سید مسعود شجاعی طباطبایی یکشنبه ۱۳ آبان‌ماه افتتاح می‌شود. بر اساس این خبر، سید مسعود شجاعی طباطبایی مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری، آثار کاریکاتور خود با موضوع استکبارستیزی را در نمایشگاهی در گالری ابوالفضل عالی حوزه هنری برپا می‌کند. در این نمایشگاه ۹۰ طرح رنگی عرضه می‌شود. این نمایشگاه ساعت ۱۵ روز یکشنبه ۱۳ آبان‌ماه افتتاح می‌شود و

علاقه‌مندان می‌توانند برای حضور در مراسم، به حوزه هنری واقع در خیابان سمیه نرسیده به پل حافظ مراجعه کنند. شجاعی دارای مدرک رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد گرافیک از دانشگاه تربیت مدرس است. او هم‌اکنون، مدیر خانه کاریکاتور ایران و دبیر هیئت مدیره است. او در اواخر سال ۱۳۹۳ مدیر خانه کاریکاتور انقلاب شد و پس از چندی به درخواست ریاست سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران دعوت به کار شد. وی همچنین چهره سال هنر انقلاب در سال ۱۳۹۶ است.

رضا رویگری در گفت‌وگو با قدس از شیرینی‌های یک نقش تاریخی و حال این روزهایش می‌گوید

راز ماندگاری «کیان»

اسیما و **سینما** / **صبا کریمی**
ای شک یکی از سریال‌های ماندگار تلویزیون که مردم علاقه بسیاری به آن دارند، «مختارنامه» است. سریالی که بازپخش مکرر آن طی این سال‌ها گواهی بر این ادعاست و بینندگان تلویزیون با هر سن و سالی مشتاقانه به تماشای این داستان تاریخی می‌نشینند. اغراق نیست اگر بگوییم یکی از جذاب‌ترین شخصیت‌های این مجموعه تاریخی، کیان ابوعمره سردار ایرانی و از پسران نزدیک مختار ثقفی است و مردم علاقه بسیاری به این نقش جذاب و تاریخی دارند. رضا رویگری بازیگر این نقش که اصفاً هم بخوبی از پس آن برآمده نیز چنین نظری دارد و معتقد است مردم این شخصیت را به خاطر ایرانی بودنش خیلی دوست دارند. بازیگری که طی چهاردهه با کارهای بازیگر خاطرات زیادی برای مردم ساخته و محبوبیت بسیاری میان آن‌ها دارد و هنوز که هنوز است پس از گذشت چندین دهه نوای «ایران ایران» وی در حافظه همه ما زنده است. این بازیگر این روزها با بیماری دست و پنجه نرم می‌کند و با این که حال مساعدی نداشت اما با صبوری و مهربانی پاسخگوی سؤالات ما بود که مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

♦ آقای رویگری این روزها وضعیت جسمانی‌تان چگونه‌است؟

درمان را ادامه می‌دهم اما متأسفانه هیچ خبری از من نمی‌گیرند؛ تلویزیون هم فقط کارهایمان را پخش می‌کنند و از مسئولان سینمایی هم خبری نیست. ۴۰ سال است که صدای من بدون هیچ حق پختی در صدا و سیما در حال پخش است؛ ضمن این که اغلب کارهایی که من در آن‌ها بازی کردم آثاری ماندگارند و همیشه هم سودهی بالایی برای صدا و سیما داشته‌اند، اما مسئولان اصلاً به این فکر نیستند که سراغی از من بگیرند و بپرسند آیا من پول فیزیوتراپی و دارو و درمان را دارم یا خیر؟ البته من بعد از این همه سال حدود سه چهار ماه پیش از طرف خانه پیشکسوتان سینما و تلویزیون بیمه شدم، اما تا قبل از آن تمام مخارج درمانی برعهده خودم بود.

♦ وضعیت پیشکسوتان سینما و تلویزیون را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

متأسفانه ما هیچ وقت هوای پیشکسوتان را نداشته‌یم و همیشه جوان تیرست فکر می‌کنند ما قدیمی‌ها بی هیچ زحمتی به اینجا رسیدیم، در حالی که نمی‌دانم ما هم روزی در جایگاه خودشان بودیم و از صفر شروع کردیم و با داشته و نداشته‌های بسیاری دست و پنجه نرم کردیم و با سختی به اینجا رسیدیم و قرار است روزی آن‌ها جای ما بنشینند و پیشکسوت شوند و روزی هم خودشان در این موقعیت قرار می‌گیرند و باید بدانند که امروز چطور رفتار کنند.

♦ اخیراً از فربرز عرب‌نیا کسه با او در «مختارنامه» همبازی بودید گلایه کردید و وی نیز برای ششما جوابی‌های در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده‌است. به جز مسئولان، بازیگران سراغی از شما می‌گیرند؟

اولیل برخی بازیگران ویژه آن‌ها که در «مختارنامه» همبازی بودیم گاهی اوقات می‌امند و سراغی از من می‌گیرند، اما الان دیگر اینطور نیست. بله! اتفاقاً من از آقای عرب نیا گلایه کردم و جواب او را دیدم و می‌خواستم برایش یک بست تصویری بگذارم که فرصت نشد و حرفم را اینجا می‌زنم. واقعیت این است که من توقعی از آن‌ها ندارم چون قطعاً آن‌ها هم مشکلاتی در زندگیشان دارند. آقای عرب نیا حرف خوبی زده و گفته که من گلایه دوستانه‌ای کردم که اتفاقاً درست هم گفته و واقعاً گلایه من دوستانه بوده است. خود من همیشه از کسی گلایه می‌کنم که خیلی دوستش داشته باشم و اگر از وی توقعی داشته باشم به دلیل این است که به آن شخص علاقه دارم. آقای عرب نیا هم برای من چنین شخصیتی است و اگر گلایه‌ای به من داشتم به دلیل علاقه‌ای بوده به شخص ایشان داشتم و دارم. ما سال‌ها با همدیگر کار



رضا رویگری متولد ۶ دی‌ماه ۱۳۲۵ است. هنرمندی که مردم همچنان و بعد از گذشت ۴۰ سال از آغاز انقلاب او را به واسطه قطعه «ایران ایران» که در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی اجرا شد در خاطر دارند. رویگری که کار بازیگری را از تجربیات نتاری آغاز کرده بود با اولین کار بازیگری خود در سینما جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد.

«قاپهای» ساموئل خاچیکیان هرچند رویگری را در قالب یک خلبان در نقش مکمل به تصویر می‌کشید، اما جایگاه این فیلم به عنوان برمخاطب‌ترین محصول همه آن سال‌ها استواری حضور سینمایی رویگری در سال‌های بعد را موجب شد.

رویگری به دلایل مختلف که یکی از آن‌ها روحیات اخلاقی مثبت و تعامل سنازنده است حین سال‌های فعالیتش تجربه همکاری با بسیاری از کارگردانان درجه یک را به دست آورد. همین شد که هم در کارنامه‌اش «اجارنشین‌های» داریوش مهرجویی به چشم می‌خورد که در آن در نقش یک دانشجوی مهندسی عمران ایفای نقش کرد که مدام با برادر کاسبش درگیر است، هم «کاتی مانگای» سیف الله داد را که در آن نقش یک تکاور به سمپاتیک‌ترین شکل خلق کرد و هم درام ترسناک «شب بیست و نهم»

کردیم و من از ایشان کار یاد گرفتم و از کار کردن کنارش لذت بردم و با همدیگر رفاقت و دوستی داریم. ایشان هم گفته که من ایران نیستم که من هم تا پیش از این که خودش بگوید این مسئله را نمی‌دانستم و من هم برایشان آرزوی عاقبت بخیری دارم.

♦ خیلی از پیشکسوتان از این که به آن‌ها کار پیشنهاد نمی‌شود گلایه دارند و از این که فراموش شدند، ناراحتند.

دیفاً کسانی فراموش شدند که مردم دوستانشان دارند. شاید باور نکنید من روزی چقدر پیام و تلفن دریافت می‌کنم و وقتی بیرون از منزل هستم برخورد مردم چقدر دوستانه است و مدام از من سؤال می‌کنند که چرا کار نمی‌کنی و می‌گویند که کارهای تو را دوست داریم و می‌خواهیم تو را بیشتر در تلویزیون ببینیم. به نظر شما این چه معنی می‌دهد؟ این یعنی مردم دوست دارند ما باشیم، اما یک عده‌ای هم هستند که اصلاًحاً غوره نشده مویز می‌شوند. من قصد ندارم به کسی توهین کنم، اما واقعاً جایگاه ما کجاست؟ مردم با خیلی از این بازیگران مانوس نشدند چون آن‌ها نه خاطره سازی کردند و نه کاری انجام دادند که در آذهن مردم باقی بماند ولی فعلاً اینگونه است و پیشکسوت هم وضعیتش همین است که می‌بینید.

♦ شما در زمره هنرمندانی هستید که مردم با کارهایتان خاطرات بسیاری دارند. برخورد آن‌ها با شما چگونه است؟

مردم واقعاً بی نظیرند و عشقی که آن‌ها به من می‌دهند فوق العاده است. من گاهی از این همه عشق و علاقه تعجب می‌کنم، اما می‌دانم هرکاری



حمید رخشانی را که به اثرگذارترین شکل ممکن نقش جوانی بی جزبه را در آن ایفا نمود.

در سال‌های بعد رویگری تجربه همکاری با کارگردانی چون داوود میرباقری،

فریدون جیرانی، حمید نعمت الله و مهدی صیباغ زاده را تجربه کرد. رویگری

فعالیت تلویزیونی جدی خود را زودتر از سینما و با بازی در مجموعه «لخظه» آغاز کرد و با «معله بروی»، که اکنون توجه قرار گرفت. اما شاید مهم‌ترین همکاری‌های تلویزیونی رویگری با داوود میرباقری بوده است. رویگری در مجموعه‌های «معصومیت از دست رفته»، «مختارنامه» و«شاهگوش» هر سه از آثار میرباقری حاضر شد و البته که در این میان ایفای نقشش در کاراکتر «کیان» سریال «مختارنامه» جایگاه ویژه‌ای دارد.حاصل فعالیت رویگری در سینما بازی در ۲۸ فیلم است. البته در این سال‌ها و تنها به بازیگری مشغول نبود و در حوزه آواز و نقاشی هم طبع آزمایی کرد. صدای خوب رضا رویگری به گفته خودش عاملی بود که او را وارد سینما هم کرد. او برای کارهای خود آهنگ سازی نیز کرد و نتیجه تلاشش در عرصه موسیقی انتشار سه آلبوم با عنوان (از عشق گفتن)، (غوغا) و (کارلانکا) است.

رویگری

رویگری

رویگری

♦ برگردیم به سریال «مختارنامه»؛ کیان نقش تأثیرگذاری بود و شخصیت‌پردازی قوی داشت. نظر خودتان در مورد نقشی که ایفا کردید چیست؟

بله، خوشبختانه خیلی نقش خوبی بود و کاملاً درست است شخصیت وفادار بود و شخصیتی بود و نقش کیان هم خیلی خوب از کار درآمد و من از خیلی دوست داشتمند به دلیل اینکه من لطف داشتند و اظهار محبت کردند که نمی‌دانستم چه بگویم. این حرف‌ها برای من بسیار جذاب است، اما جواب این حرف‌ها چیست و ما به مردمی که این قدر عاشقانه با ما برخورد می‌کنند چه می‌توانیم بگوییم؟ به نظرم اصلاً نمی‌توان مردم و مسئولان را با هم قیاس کرد. برخورد مردم واقعاً بی نظیر است. من نمی‌خواهم کسی را زیر سؤال ببرم، اما مسئولان فرهنگی واقعاً نمی‌دانند که ما

♦ آیا شما هم در پرداخت شخصیت «کیان» تأثیری داشتستید و به نقش چیزی اضافه می‌کردید؟

نه اصلاً حتی یک درصد. آقای میرباقری اجازه نمی‌داد یک واو از متن کم یا به آن اضافه شود. او همیشه می‌گفت این متن را به صورت شعر و نثر نوشتیم که اگر تغییرى در آن بدهید از این حالت در می‌آید. درست هم می‌گفت، بنابراین ما به هیچ وجه اجازه بدهاه بردازی واین نوع کارها را نداشتهیم و فقط تنها کاری که می‌توانستیم بکنیم این بود که آن را خوب بازی کنیم.

♦ خاطره‌ای از «مختارنامه» دارید که برای خودتان شاخص و ماندگار باشد؟

سراسر کار خاطره بود. اتفاق‌های بسیاری در آن سریال برای من افتاد. چه زمان‌هایی که از اسب افتادم یا شمشیر در پایم رفت و با تیر به چشم آسیب وارد شد. همه این‌ها گرچه به ظاهر اتفاقات بدی است، اما برای من خاطرات خوبی به جا گذاشته است و با این که سختی‌های بسیاری پیش آمد، اما من به خروجی کار نگاه می‌کنم که ممکن است در هر شغلی اتفاق بیفتد و فقط کار ما اینگونه نیست و همانطور که لذت دارد و خروجی خوب دارد این مسائل هم همراهش است.

♦ به تازگی پخش مجدد «مختارنامه» به پایان رسیده‌است، نظر شما درباره تکرار چندباره آن و تأثیرات آن که می‌تواند روی مخاطب داشته باشد چیست؟

مردم خیلی دوست دارند که این کار مدام بازپخش می‌شود و هر کسی را که می‌بینم می‌گويد من حتی اگر ۵۰ باریبگر این کار را ببینم سیر نمی‌شوم. کسانی هستند که علاوه بر این که بازپخش کار را می‌بینند، می‌گویند ما حتی سی دی آن را هم خریدیم و هر از گاهی تماشای می‌کنیم. شاید بد نباشد یک خاطره‌ای تعریف کنم. در محرم همین امسال به تکیه تجریش رفته بودیم و یک آقای با دختر خردسالش سمت من آمدند و آن مرد به دخترش گفت فلان دیالوگ و صحنه را برای آقای رویگری بازی کن و جالب این که آن بچه همه دیالوگ‌ها را حفظ بود؛ دیالوگ‌هایی که من خودم دیگر یادم نیست و این بسیار تعجب آور بود. واقعاً چطور کسی می‌تواند این سریال را دوست نداشته باشد. حتی من از خیلی‌ها شنیدم که می‌گویند ما بعد از چندین بار که این سریال را می‌بینیم تازه درک می‌کنیم که این سریال می‌خواهد چه بگوید.

♦ حتماً خبر دارید که قرار است آقای میرباقری سریال «مسلمان فارسی» را بسازد. آیا به شما برای بازی در این سریال پیشنهادی شده است و این که خودتان تمایلی به بازی دارید؟

بله خیر دارم که مدت‌هاست می‌خواهد این کار را بسازد، اما هربار با تأخیر مواجه می‌شود. من و آقای میرباقری به یکدیگر خیلی علاقه داریم و من به ایشان ارادت خاصی دارم. یک بار آقای میرباقری را در سالن همایش‌های صدا و سیما دیدم و گفتم اگر کاری بسازی به من هم خبر می‌دهی؟ ایشان گفتند مگر می‌شود من کاری بسازم و تو در کار من نباشی. فعلاً که با من صحبتی نشده، اما من با سر و همین پای شکسته می‌روم و در کار آقای میرباقری بازی می‌کنم.

♦ آیا این اواخر پیشنهاد کاری هم داشتید؟

کارهایی پیشنهاد می‌دهند که شرم آور است و بخوام راجع به آن صحبت کنم. من اخیراً برای یک کاری رفتم که در مجموع سه ساعت آنجا بودم و به کارگردان کار هم گفتم چرا وقتی من اینجا هستم از من استفاده نمی‌کنی؟ من این را نمی‌فهمم که این قدر چه کاری است. کاری که نه تماشاجی از دیدن آن لذت می‌برد و نه خودم و نه این که حضور من به کار چیزی اضافه می‌کند. نقش باید به گونه‌ای باشد که بازیگر بتواند به آن برسد در این که این قدر کوتاه باشد که تکلیفش مشخص نباشد و قطعاً وقتی بازیگر نقش را درک نمی‌کند، نمی‌تواند لذتی هم از آن ببرد.

شهرنگر

سپیمایا و سپینمایا

شنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۷

۲۴ صفر ۱۴۴۰ | ۳۱ نوامبر ۲۰۱۸ | سال سی و یکم | شماره ۸۸۲۱ |

خبر

زندگی رهبر شیعیان نیجریه مستند شد

اکران «ابراهیم» در جشنواره فیلم مقاومت

تسنیم: پانزدهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت که از ۵ تا ۹ آذر ماه سال جاری در تهران و اصفهان برگزار می‌شود میزبان مستندی است که در آن سه دهه زندگی و مجاهدت‌های شیخ ابراهیم زکزاکسی روایت

می‌شود. در این اثر که توسط حسین احمدی از سینماگران و فیلمسازان جوان اصفهانی ساخته شده سه دهه زندگی رهبر شیعیان کشور نیجریه تصویر می‌شود

این فیلم روایت ابراهیم زکزاکسی جوان مبارز نیجریه‌ای است که بعد از انقلاب اسلامی به دیدار امام خمینی(ره) می‌آید و تحت تأثیر این دیدار به مذهب شیعه می‌پیوندد. اکنون پس از سه دهه تبلیغ بیش از ۲۵ میلیون شیعه در نیجریه وجود دارد.

سایر سخنرانان فیلم به این ترتیب است: تصویربردار: سید محمود حسینی و احمد خلیلا، تدوین: علی اصغر حیدری و حمیدرضا شیخ، تهیه‌کننده:حسین احمدی.

شایان ذکر است حسین احمدی متولد ۱۳۲۱ اصفهان، فوق لیسانس تولید سیما از دانشگاه صداوسیماست. از دیگر آثار جدید این مستندساز جوان، سه گانه‌ای پیرامون پیاده روی اربعین با نام‌های «گام‌های حقیقت، روایتگران خورشید، ارستاد زینب» با موضوع فعالیت‌های تبلیغی بدیع مبلغان در پیاده روی اربعین حسینی مثل پرده خوانی در جای جای این مراسم عظیم و… است.

رونمایی از پوستر فیلم «سرو زیر آب» در آستانه اکران

بانی فیلم: پوستر فیلم سینمایی «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه‌آهنگر و تهیه‌کنندگی حامد حسینی در آستانه اکران رونمایی شد. فیلم سینمایی «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه‌آهنگر

از ۲۳ آبان‌ماه در گروه سینمایی آزادی اکران می‌شود. در آستانه اکران عمومی از پوستر رسمی این فیلم رونمایی شد.

فیلم سینمایی «سرو زیر آب» سیمرخ بلورین بهترین فیلمبرداری (علیرضا زرین‌دست)، سیمرخ بلورین بهترین طراحی صحنه (عباس بلوندی) و سیمرخ زرین بهترین فیلم از نگاه ملی را از سی و ششمین جشنواره فیلم فجر به دست آورد.

بابک حمیدیان، مسعود ریگان، رضا بهبودی، مینا ساداتی، همایون ارشادی، مهتاب نصیرپور، هومن برق‌نورد، ستاره اسکندری، شهرام حقیقت‌حوسن، حسین باشه‌آهنگر، فرخ نعمتی، هادی قمیشی، سیاوش چراغی‌پور، حسن تجرانیان، حسین فلاح و امیر دالانی در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند.

«سرو زیر آب» با مشارکت سازمان سینمایی حوزه هنری، بنیاد سینمایی فارابی و موسسه تصویر شهر تولید شده است و پخش این فیلم توسط حوزه هنری انجام می‌شود. تبلیغات فیلم بر عهده «دیالوگ» است.

قیام حره در «ماه و غزل» سریال می‌شود

مهتر: سعید رحمانی فیلمنامه نویس از ساخت سریالی با نام «ماه و غزل» با روایتی از «قیام حره» به تهیه‌کنندگی محسن علی اکبری خبر داد.

وی با اشاره به جدیدترین پروژه خود گفت: نگارش چند پروژه تلویزیونی را برعهده دارم که بزودی به مرحله پیش تولید می‌رسند. یکی از این پروژه‌ها به تهیه کنندگی محسن علی اکبری است که به مناسبت محرم و با موضوع تاریخی -اسلامی ساخته می‌شود.

وی بیان کرد: فیلمنامه این سریال با نام «ماه و غزل» زمستان آماده تولید می‌شود تا بتوان آن را برای محرم سال آینده از تلویزیون پخش کرد.

داود: داستان این سریال در سال ۶۳ هجری یعنی ۲ سال بعد از واقعه عاشورا رخ می‌دهد و تأثیرات عاشورا را در سال‌های بعد روایت می‌کند و در کنار آن یک روایت عاشقانه نیز دنبال می‌شود.

وی تأکید کرد: «ماه و غزل» یک زمینه تاریخی دارد، اما از داستان و شخصیت‌های تخیلی بهره برده است و وقایع «قیام حره» را به تصویر می‌کشد. رحمانی در پایان گفت: هنوز کارگردان این پروژه انتخاب نشده است ولی بی شک تا یک ماه آینده قطعی می‌شود.

«واقعه حره» به قیام مردم مدینه ضد یزید و به دنبال آن واقعه خونین درهم شکستن قیام توسط یزید با حمله خونبار سپاهیانش به شهر مدینه در سال ۶۳ قمری می‌پردازد.

ساخت موسیقی «حکایت‌های کمال» آغاز شد

بانی فیلم: سازندگان «حکایت‌های کمال» به تهیه کنندگی محسن شایانفر و کارگردانی قدرت‌الله صلح میرزایی با گذشت سه ماه همچنان در شهرک سینمایی مشغول تصویربرداری هستند. طبق

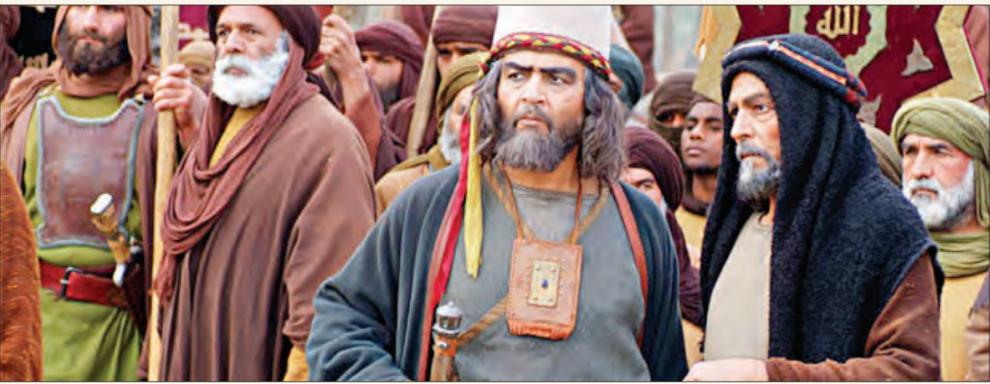
اعلام تهیه کننده سریال، به تازگی فریدین خلعتبری کار ساخت موسیقی «حکایت‌های کمال» را آغاز کرده است. سریال «حکایت‌های کمال» در ۳۱ قسمت توسط سیما فیلم تهیه می‌شود. فاز نخست این سریال برای ۳۱ قسمت نگاشته شده و قسمت‌های دیگر برای فاز دوم در نظر گرفته شده است. قصه این سریال درسال ۱۳۴۰ اتفاق می‌افتد. تاکنون بیش از ۴۰ درصد از سریال جلوی دوربین رفته است.

محمود پاک نیت، شهره لرستانی، حمید ابراهیمی، نگارعبدی، شهرام عبدالله، فلورنظری و جمعی از بازیگران سینما و تئاتر در این سریال بازی دارند.

«حکایت‌های کمال» اقتباسی از رمانی به همین نام نوشته محمد میرکیانی و قهرمان داستان یک نوجوان به نام کمال است.

حاشیه

ایرانی و عراقی با «مختارنامه» ارتباط گرفتند



ترین کارهای دوره بازیگری من است. به عنوان یک

بازیگر، نقش «کیان» را عاشقانه دوست داشتم و صادقانه برای ایفای آن زحمت کشیدم. «مختارنامه» اثری ماندگار

و تاریخی است و بازی در نقش «کیان» برای من افتخاری بزرگ و نقطه عطفی در کارنامه کارام محسوب می‌شود.

به شخصیت مختار و عرفی که به سیدالشهدا(ع) داشت،

علاقه داشتم و واقعاً هر لحظه خدا را شکر می‌کردم که

فرصتی برایم پدید آورده برای ادای دین به امام سوم

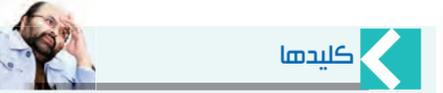
علیه‌السلام.

پدرم علاقه زیادی به این داشت که من روحانی شوم

و برای همین قبل از اینکه به سمت هنر بیایم دو سال

درس طبکی خواندم و جامع المقدمات را هم تمام کردم،

اما در نهایت سراغ بازیگری رفتم. شاید یکی از دلایلی که



کلیدها

روزنوشته‌های علی محمد مؤدب

الاکلنگِ رسمیت – صمیمیت



... در مزرعه چغندر قند کنار هم به ردیف می‌نشینیم و علف‌ها را با دستخو می‌کنندیم و پیش می‌رفتم. کار دراز مدت خسته کننده است و با هم حرف می‌زدیم تا زمان بگذرد. حرف حرف می‌آورد و درگیری ذهنی و... وقتی که حرف‌ها داشت گل می‌انداخت و فضاهای کار تبدیل به فضای دوستی و گپ و گفت می‌شد، پدرم با خنده می‌گفت: با هم حرف نزنید... طوری کار کنید، انگار با هم قهر هستید!

حقیقت هم همین است، دنیا شوخی ندارد و باید خیلی جدی کار کرد. مهربانی،همدلی و همراهی خوب است اما علف‌های هرز شوخی ندارند و اگر ریشه گشنان نکند ریشه کن می‌کنندتان! یکی از چالش‌های عمده در هر سازمان کاری ساده یا پیچیده همین است که صمیمیت یا رسمیت؟ کارهای بسیار دشوار، به خاطر ماهیت رنج آوران، صمیمیت ایجاد می‌کنند و این صمیمیت مانع رسمیت و جدیت می‌شود و کار را با بحران روبه‌رو می‌کند.فعالیت‌های جهادی دلی به سمت صمیمیت میل می‌کنند و این صمیمیت در میان مدت یا دراز مدت سازمان را متلاشی می‌کند. تعریف دقیق ششون و مسئولیت‌ها یکی از راه‌های نجات از این مهلکه است. در روایات ما آمده است که اگر در سفری دو نفر بودید یک نفر است امیر باشد. حرکت الاکلنگی بین رسمیت و صمیمیت نجات بخش است ولی کمتر کسی درست این بازی را بلد است همه ما به یکی از دو سمت می‌غلنیم و نابود می‌شویم.بسیاری از قوانین ما، در فضای صمیمیت نوشته شده‌اند و برای مشکلات جدی کارآمد نیستند، در حالی که قانون گذاری یعنی رعایت بیش از حد همه ملاحظات ممکن روی کاغذاً وقتی می‌بینم نمایندگان مجلس مشغول سلفی گرفتن یا بازی رایانهای هستند یا از سسر و کول هم بالا می‌روند بسیار رنج می‌کشم چون تنها جایی که جای صمیمیت افراطی نیست مجلس است و نماینده باید نماد رسمیت و جدیت و رعایت همه ملاحظات ممکن باشد. نماینده هایی که لب لب هم را می‌کنند نمی‌توانند قانون‌گذاران خوبی باشند. در مقام قانون گذاری باید جدی بود، همان‌طور که قاضی نمی‌تواند فر نباید با متهم یا وکلای دو طرف سلفی بگیرد قانون‌گذار حتماً بیشتر از او باید جدی باشد. حتی اگر یک مغازه دارید به الاکلنگ رسمیت-صمیمیت بیشتر فکر کنید.

نشريات جهان

ايستگاه / امير محمد سلطان يور

ورای تنفر در آمریکا

هفته‌نامه تایم در پرونده‌ای به



کرده، گستره تنفر را نه فقط در جریان اتفاقاتی مانند تیراندازی در مدرسه و یا قتل عام اخیر در مکان مذهبی یهودیان، بلکه در جنبه‌های مختلف از قبیل علم، آموزش، سیاست و... مورد بررسی قرار داده و برای از بین بردن آن راه حل پیشنهاد داده است.

مهم‌ترین انتخابات تاریخ آمریکا



نشر به مادر جونز که هر دو ماه یکبار به چاپ می‌رسد به مهم‌ترین واقعه سیاسی در آمریکا یعنی انتخابات میان دوره‌ای ریاست جمهوری این کشور پرداخته است. این مجله با تیتیر جسورانه خود با عنوان «مهم‌ترین انتخابات تمام عمر ما» می‌گوید این آزمون در مقابل مردم آمریکا قرار داده شده تا با حضور در انتخابات میسان دوره‌ای و رای به سناورها و نمایندگان مجلس حامی ترامپ یا مخالف او، به جهانیا اعلام کنند آیا دو سال حمله دونالد ترامپ به اصلی‌ترین بنیان‌های دموکراسی را رد کرده و یا بر آن مهر تأیید می‌زنند.

اورانگوتان‌ها، بهترین مادران!

هفته‌نامه علمی نیوساینتیست در گزارشی دستاوردهای بزرگی را که اخیراً در علم فیزیکی به وقوع پیوسته، زیر ذره‌بین قرار داده تا به این حقیقت دست یابد که آیا واقعاً چنین یافته‌هایی بوده و یا تنها برزگنمایی شده است. این نشریه یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای اخیر علم فیزیک یعنی موج‌های گرانشی را به عنوان نمونه انتخاب کرده و می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که آیا واقعاً آن‌ها کشف شده‌اند؟نیوساینتیست همچنین از چندین جنبه به انتخاب بهترین مادر در میان موجودات پرداخته و اورانگوتان‌های مادر را به عنوان بهترین انتخاب کرده است!

گزارش از شخص

راوی سقوط

ارتشبد «حسین فردوست» ۱۲ آبان ۱۳۶۲ دستگیر شد

ایستگاه/ مجید تربت زاده همان‌قدر که سرشناس و معروف است، شخصیتی مرموز و پیچیده هم هست. با وجود اعترافات و افشاگری‌هایی که در مورد خودش و دیگران کرده، هنوز هم بسیاری از پرسش‌ها در مورد چهره واقعی «حسین فردوست» بی پاسخ مانده است. شخصیت برجسته سیاسی - اطلاعاتی رژیم پهلوی که شاید می‌توانست به آسانی کشور را ترک کند، اگرچه پس از دستگیری، همه چیز دربار و رژیم پهلوی را روی دایره می‌ریزد و لب به سرزنش رژیم رفیق گرمابه و گلستانش - شاه - باز می‌کند اما بسیاری از تاریخ‌نویسان درباره دلایل ماندنش در ایران به پاسخ درست و حساسی نرسیده‌اند و فقط به حدس و گمان‌هایی در این باره بسنده کرده‌اند.

تودار

بیشتر ماجرا را بگذارید به حساب بخت و اقبال یا چیزی مثل این، وگرنه نمی‌شود توجیه دیگری برای موقعیت و موفقیت «حسین فردوست» در کودکی و نوجوانی پیدا کرد. کودکی که سال ۱۲۹۶ در خانواده‌ای نسبتاً پرجمعیت به دنیا آمد و پدرش هم افسر ژاندارمری بود و توانست تا درجه سروانی برسد و بعد بازنشسته شود، نه از رانت خانوادگی و تشکیلاتی برخوردار بود و نه ثروت سرشار خانوادگی داشت که بتواند به وسیله این‌ها راهی به سوی دربار باز کند. شناسش زد و کمی هم شخصیت و روحیات خودش کمک کرد تا با ولیعهد در مدرسه نظام، همکلاسی و رفیق شود و بعد هم «رضا خان» که دنبال دوست و رفیق درست و حسابی برای فرزندش می‌گشت، از میان همکلاسی‌ها، «حسینی» تودار، درسخوان و نظامی‌زاده را برای همنشینی با ولیعهد انتخاب کند. خلق و خو و لایند رازداری و وفاداری‌اش همان کودکی و نوجوانی آن‌قدرها بود که «رضاخان» حتی در سال‌های بعد و زمانی که «فردوست» تصمیم گرفت نظامی‌گری را رها کند و پزشکی بخواند، اجازه این کار را نداد و توصیه کرد تحصیلاتش را در دانشکده ادامه بدهد.

تمک‌گیر

دو سال اختلاف سنن با ولیعهد، مشکلی برای دوستی این دو نفر ایجاد نمی‌کرد. «محمدرضا» از دید پدرش به دوستی نیاز داشت که بزرگ‌تر از پسرش باشد و بتواند هم روی رفتار او نظارت داشته و هم راهنمایش باشد. سال ۱۳۱۰ که قرار شد ولیعهد ۱۲ ساله برای ادامه تحصیل به کالج «له روزه» در سوئیس فرستاده شود «حسین

فردوست» ۱۴ ساله هم همراه او فرستاده شد تا به اجبار، امکان تحصیل در یکی از گرانقیمت‌ترین مدارس جهان را پیدا کند. خلاصه در طول ۵ سال اقامت و تحصیل در کنار ولیعهد، «فردوست» هم تمک گیر خاندان سلطنتی و هم تبدیل به رفیق و همنشین جدانشدنی شاه آینده شد. این رفاقت تا زمان سقوط پهلوی دوم ادامه داشت و جدی‌اش شد خیلی‌ها او را چشم و گوش «محمدرضا» در دوره سلطنت بدانند. در کتاب «مأموریت برای وطنم» نیز خود «محمدرضا» به این واقعبت اشراره می‌کند و «فردوست» را تنها دوست و همراه صمیمی خود معرفی می‌کند.

۶۰ سال رفاقت

نزدیک به ۶۰ سال-از عمر ۷۰ساله‌اش را در کنار «محمد رضا پهلوی» گذراند. جدی‌اش از روابط دوران کودکی و نوجوانی که می‌توان آن را به حساب رفاقت حساب شده و نشده شان گذاشت، در بقیه این سال‌ها «فردوست» اگرچه گمان‌دوست و رفیق شاه باقی می‌ماند اما به صورت رسمی «رئیس دفتر ویژه اطلاعات دربار»، قائم‌مقام ساواک و چند سالی هم رئیس سازمان بازرسی شاهنشاهی بود. به جز این‌ها او را مشاور غیر رسمی اما تأثیرگذار شاه در مسائل عمومی و خصوصی‌اش هم معرفی کرده‌اند. او دوره‌های مختلف نظامی را در دانشکده افسری گذراند، در زمان مصدق برای گرفتن دکترای حقوق در رشته قضایی به پاریس اعزام شد. پس از بازگشت مدتی در دانشگاه جنگ درس خواند و سال‌های بعد گاهی در این دانشگاه تدریس کرد. «فردوست» از پایه‌گذاران «گارد جاویدان» بود، دفتر ویژه اطلاعات رژیم را هم بنیان گذاشت و خود ریاستش را برعهده گرفت. با حفظ سمت، دبیر شورای امنیت کشور شد، در تجدید سازمان و فعال کردن سازمان بازرسی کل کشور نقشی کلیدی ایفا کرد، از نسوی «محمدرضا» مأمور تحقیق درباره سوء استفاده با عدم لیاقت سران نظامی، انتظامی و سایر سازمان‌های دولتی شد، در سال‌های ۵۲ و ۵۴ عضو کمیسیون قیمت‌های پایه بود و در مقطعی نیز مسئولیت ایجاد سازمان حفاظت و تحقیق حزب «ستاخیز» را برعهده گرفت.

فردوست‌مرا آزاد کرد

دومین پرسش درباره «فردوست» دستگیری‌اش است. انقلاب سال ۵۷ به پیروزی می‌رسد و ما در اسناد و مدارک موجود و زندگینامه‌هایی که درباره‌اش نوشته‌اند می‌خوانیم: «... پنج سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به صورت نیمه پنهان در ایران زندگی کرد اما سرانجام در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۱۲ نیروهای اطلاعاتی، او را در خانه پدری‌اش در خیابان وصال شیرازی دستگیر کردند.» مفهوم «زندگی نیمه پنهان» را درست متوجه نمی‌شویم. ضمن اینکه نمی‌دانیم در این مدت او چه می‌کرده و چگونه توانسته پنهانی به زندگی‌اش ادامه دهد؟ در برخی از مصاحبه هایی که موضوعش ربطی به «فردوست» ندارد اما می‌توان نشانه هایی را در این مورد پیدا کرد. کمران عدل - هنرمند عکاس - که پس از انقلاب یکی دو بار دستگیر شده در خاطراتش می‌گوید: «چهارم تیر ۶۱ من را بازداشت کردند. نمی‌دانستم که سرنوشتم چه خواهد شد» فکر می‌کردم اعلام می‌شوم... نزدیک ۲۴ روز طول کشید. ابتدای بازداشت‌م، من را به عسرت‌آباد بردند و از آنجا به اوین منتقل کردند. آن زمان «پروفسور عدل» ماجرا را فهمید... همان موقع به «فردوست» تلفن کرد و او مشکل من را حل کرد...! حالا سؤال این است که «فردوست» در سال ۶۱ و یک سال پیش از دستگیری‌اش چگونه در حین زندگی مخفیانه توانسته مشکل یک هنرمند دستگاری شده را حل و او را آزاد کند؟

افسر «ام آی ۶»

تا سال ۱۳۵۶ ظاهراً همه چیز زندگی‌اش شفاف و مشخص است. معماهای مربوط به زندگی و فعالیت‌هایش در واقع به دوران پیروزی انقلاب اسلامی و سال‌های پس از آن مربوط می‌شود. اولین مورد ماجرای خارج نشدنش از کشور



کمک کند دستگاه اطلاعاتی جدیدی به راه بیندازند. بسیاری از آن‌هایی که به این دیدگاه اعتقاد دارند، فردوست را به خاطر خیانت به رژیم پهلوی سرزنش هم کرده و او را مأمور دستگاه اطلاعاتی انگلیس قلمداد کرده‌اند. از جمله این‌ها صداتی «است که عبدالله شهبازی- پژوهشگر تاریخ -بخش‌هایی از گفت‌وگو با او نوشته است: «فتمن: مگر شما در ۲۴ بهمن به همراه ارتشبد فردوست به دیدار مهندس بازرگان نرفتید؟ جا خورد. گفت: رفتم ولی در نخست‌وزیری یک افسر توده‌ای (هر اتلاقی از نظر ایشان توده‌ای بود) ارتشبد فردوست را شناخت و پرخاش کرد. فردوست دستمزد داد برویم پیش رئیس ستاد ارتش. قرنی نبود. کس دیگری بود. من توصیه کردم نزود زبیرا در آنجا همه او را می‌شناسند. پذیرفت و او را در جای دیگر پیاده کردم.»

ظهور و سقوط

چه چیزمیرم «فردوست» به خاطر ادامه‌مأموریتش در ایران می‌ماند و چه قبول کنیم با تصمیم شخصی خودش. فرق چندان‌ی در پایان ماجرا نمی‌کند. او سالال ۱۳۶۶ به دلیل سکنه قلبی از دنیا می‌رود. پیش از آن اما راوی پشت پرده‌های که بارشقیق محمد رضا پهلوی در دهه ۵۰ از آینده شخص پهلوی و حکومتش نامید شود. البته پذیرفتن این تحلیل پاسخی به پرسش قبلی ما نمی‌دهد و فردوست با فرض درست بودن این تحلیل‌ها هم می‌تواند به دلیل مأموریت خاص و هم به دلیل اینکه خودش را گناکار نمی‌داند، در کشور مانده باشد.

برویم ستاد ارتش

عده‌ای دیگر معتقدند «فردوست» که یکی از عوامل اصلی صدور اطلاعیه بسی طرفی ارتش بود، در واقع به سرعت بخشیدن پیروزی انقلاب کمک کرده و پس از انقلاب نیز تلاش کرده تا ضمن همکاری با برخی از انقلابیون به آن‌ها

طرح روز



اوالنت هندلمن

از آمریکا برو بیرون!

شاید بشود گفت ترامپ اولین گام در افتادن با مهاجران را قبل از رئیس جمهور شدن برداشت. همان زمانی که وعده ساخت دیوار در مرزهای آمریکا و مکزیک را به مردم کشورش داد. و عده‌ای که البته مدتی پیش، بعد از کشمکنی‌های فراوان عملی شدد و پروژه ساخت این دیوار در مرز آمریکا-مکزیک کلید خورد. گام بعدی‌اش ممنوعیت ورود شهروندان هفت کشور مسلمان از جمله کشور خودمان به آمریکا بود که آن هم به سفت و سخت‌ترین شکل ممکن عملی شد.

بعد از این ماجرا خیلی‌ها فکر کردند مبارزه ترامپ با مهاجران به پایان رسیده و بعد از این قرار نیست اقدامی علیه مهاجران فلک زده صورت بگیرد اما در کمال تعجب ترامپ پیشنهاد جدایی فرزندان مهاجران از والدینشان را مطرح کرد! شاید اوج نفرت ترامپ از مهاجران زمانی برای همه آشکار شد که او در پاسخ به منتقدانی که این اقدام را «غیرانسانی» خوانده بودند، گفت: «این‌ها آدم نیستند، این‌ها حیوانند!»

مهاجر ستیزترین رئیس جمهور تاریخ آمریکا و شاید دنیا این روزها با دو چالش بزرگ مواجه شده که البته خیلی‌ها از آن به عنوان برگ برنده‌های ترامپ در انتخابات کنگره ی‌ساد می‌کنند. اولین چالش سوج آوارگان و پناهنجویان آمریکای مرکزی است که روز به روز به مرزهای ایالات متحده نزدیک‌تر می‌شوند. دومین چالش ترامپ مبارزش با قانون اعطای حق شهروندی به کودکانی است که در خاک آمریکا متولد می‌شوند، که واکنش‌های منفی بسیاری را به دنبال داشته است. بسیاری از کارشناسان و حقوقدان‌ها می‌گویند، این دستور ترامپ خلاف قانون اساسی است اما رئیس جمهور آمریکا این‌طور فکر نمی‌کند و خیال دارد با تصویب این قانون در کنگره، جلوی اعطای حق شهروندی به کودکانی را که در آمریکا متولد می‌شوند، بگیرد. تلاش‌های اخیر ترامپ برای مبارزه با مهاجران سوزه کاریکاتور جدید «والنت هندلمن» شده است.

در این کاریکاتور ترامپ خطاب به مجسمه آزادی که توسط فرانسوی‌ها به آمریکا هدیه داده شده، می‌گوید: «در فرانسه طراحی شدی و اینجا متولد شدی؟ از آمریکا برو بیرون!»

مجاز آباد

دست خالی ماندند



برای این موضوع از محل اسکان خارج شدم تا از دو مکانی که برای این کار اختصاص داده بودند، بازدید کردم و برگشتم، چیزی در حدود شش ساعت وقت اختصاص دادم. تقریباً تمام زائران از این موضوع گلايه داشتند. برخی تمام بولی که در اختیار داشتند را به امید دریافت ارز به حساب بانک ملی ریخته بودند و در سفر دست خالی ماندند.»

دریادلان آن روزها

ایستگاه/ بدون مقدمه یادداشت اینستاگرامی محسن رضایی را بخوانید: «اوایل جنگ پس از سقوط خرمشهر، ارتش عراق، آسازان را محاصره و به قصد اشغال آن، از کوی ذوالفقاری به شهر حمله کرد.»دریاقلی سورانی» با دوچرخه کهنه‌اش به سوی شهر شتافت تا به مسئولان سپاه خبر دهد. مردم با نشینند فریادهای او با بیل و کلنگ به کوی ذوالفقاری شتافتند. هر مدتی دوچرخه دریاقلی پنجر شد. ناچار مسافتی طولانی را پیاده به سوی شهر دوید و به محض رسیدن، سپاه را در جریان گذاشت. اگر آبادان سقوط می‌کرد، ارتش عراق برای هجوم به اهواز، جرتش و فرصت پیدا می‌کرد. یاد شهید دریاقلی سورانی و همه دریادلان آن روزها گرمای باد.»



ایستگاه/ به محض اینکه در کشورمان، یک چهره ناشناس با یک اتفاق به چهراهی سرشناس تبدیل می‌شود، تعداد زیادی از کاربران در فضای مجازی به نامش صفحات غیرواقعی می‌سازند! اخیراً کودکی ۱۰ ساله به نام «میرمحمد علامه» فیلمی از خود منتشر کرد که در آن، درحالی که لباس «دیبلا» ستاره تیم «یوونتوس» را به تن دارد با یک توپ پلاستیکی، ضربه دقیقی به توپ می‌زند. دیبالای آرژانتینی که ویدیو را دیده بود، از طریق اینستاگرامش از مخاطبان خود درخواست کرد این کودک را پیدا کرده و بیه او معرفی کنند. اگرچه دیبلا در نهایت امیر محمد را پیدا کرد اما در همین فاصله صدها نفر با ساخت صفحه جعلی خودشان را به عنوان امیرمحمد علامه به دیبلا معرفی کردند!